



# صدایت را دوست دارم چون صدایم بودی

صدایت هرگز خاموش نخواهد شد، ای ناجی و اسطوره موسیقی و هنر ایران

مهرزاد شفیق پور

دیار طنین انداز است. مردم زمانی که با خبر شدند که او در بستر بیماریست، نگرانش شدند و در هنگام وداع ابدی او، دلتنگش شدند اما حسرت رفتنش را نخوردند. زیرا آنچه که می بایست برای حفظ جایگاه و توسعه موسیقی و هنر کشور انجام دهد به نحو احسن به سرانجام رساند. لذا مردم بیشتر از اینکه افسوس رفتنش را بخوردند در حسرت آنند چرا نگذاشتند او را بدرقه کنند.

از دید خواص، انحراف هنرمند  
از ذوق آنان و طبقه قاهر و حاکم جامعه، کاری  
نارواست. به اقتضای ذوق خواص  
همواره تجلیات ذوق و خواسته های مردم  
مورد تحقیر قرار گرفته است  
اینجاست که استاد شجریان  
به پیروی از بزرگان عرصه فرهنگ و هنر ایران نظیر  
فردوسی راه خود را از هنرمندان رسمی کشور جدا  
ساخته و بدون هرگونه ترس و واهمه در کنار مردم  
می ایستد و هنرش همواره تجلی گاه ذوق، خواسته ها  
و آرزوهای ملتش می شود

بی شک استاد محمدرضا شجریان همچون حکیم ابوالقاسم  
فردوسی از معدود اساطیر ایران در حوزه فرهنگ و هنر محسوب  
می گردد. همانطور که خداوندگار شعر و سخن حکیم ابوالقاسم

خداوندگار موسیقی و هنر ایران محمدرضا شجریان  
در سن ۸۰ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و  
جاودانه شد. پیکر او در جوار خداوندگار شعر و سخن  
حکیم ابوالقاسم فردوسی در شهر توس به قول یادگارش  
(همایون شجریان) به دست طبیعت سپرده شد.  
او به سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در خراسان چشم به  
جهان گشود. همه پله های ترقی در حوزه موسیقی و  
هنر ایران را پشت سر گذاشت و بانی دستاوردهایی  
بی نظیر و همیشه ماندگار در عرصه موسیقی، هنر و  
فرهنگ ایران شد.

او صدای یک ملت بود. فریاد ملتی که طی چندین دهه در حنجره  
او طنین انداز می شد. صدایش رنگ و بوی صدای مردم داشت.  
مردم صدای دلنشین او را دوست داشتند. صدایش تجلی گاه  
سرخوردگی ها و آرزوهای ملت ایران بود. صدای او در نزد مردم  
هرگز خاموش نخواهد شد زیرا او در کنار مردم ایستاد و در سور  
و سوگ شان خواند.

او هرگز تسلیم زر، زور و تزویر نشد. جز در برابر مردم، در مقابل  
هیچ کس سر تعظیم فرو نیاورد. جز مردم برای کسی نخواند.  
برخلاف نوکیسه گان، هنرمندان و خواص بی مایه کشور در کنار  
مردم ایستاد و خود را صدای مردم می دانست.

ملت نیز قدردان فرزند خلف خود بوده و خواهند بود. هرگز  
او را از یاد نخواهند برد و صدای او تا ابد در گوش مردمان این





حسی یا تفکر عقلانی یا شهود قلبی وی می باشد. هنر استاد شجریان خصلت جمعی دارد و این هنر زاده تنی واحد نیست. هنر او از حوادث زندگی مشترک مردمش ناشی می شود. هرچه به جلوتر می رفت پخته تر می شد و در جریان انتقال آن، موافق مقتضیات نسل ها دگرگونی یافت.

کمتر جامعه ای سراغ داریم که هنرمندان رسمی آن بیش و کم مدافع طبقه حاکم نباشند. در اکثر جوامع بشری که کشور ما نیز از این امر مبرا نیست، هنرمندان آوازه گر شوکت بزرگانند و آثار آنان برای پخش آوازه اینان پدید می آید. از دید خواص، انحراف هنرمند از ذوق آنان و طبقه قاهر و حاکم جامعه، کاری نارواست و به اقتضای ذوق خواص همواره تجلیات ذوق و خواسته های مردم مورد تحقیر قرار گرفته است.

اینجاست که استاد شجریان به پیروی از بزرگان عرصه فرهنگ و هنر ایران نظیر فردوسی راه خود را از هنرمندان رسمی کشور جدا ساخته و بدون هرگونه ترس و واهمه در کنار مردم می ایستد و هنرش همواره تجلی گاه ذوق، خواست ها و آرزوهای ملتش می شود.

آثار هنرمندان بزرگی چون فردوسی و شجریان که صفت ملی به خود گرفته اند؛ همواره از هنر عامی مردم برخوردار بوده اند. هنر ملی، هنری است که عناصر و قالب ها و طرز بیان آن از زندگی مردم گرفته شده است. از این رو است هنر شجریان برای همه جامعه، کمابیش با معنی و دلپذیر می شود و به یکپارچگی اجتماعی و ملیت کمک می کند.

در واقع هنر ملی فردوسی و شجریان نه هنر عوام است و نه خواص و بر عکس هنری است که توسط شخصیت های معینی چون این بزرگان پدید می آید و از امکانات تکنیکی زمان خود بهره کامل می برد و به بیان دیگر هنر ملی موثرترین عناصر گذشته و حال را به کار می گیرد.

راز عظمت هنر و آثار شجریان در این است که همچون فردوسی موسیقی سنتی را موافق نیازهای موجود جامعه دگرگون می کند

فردوسی زبان فارسی را از گزند زبان و فرهنگ بیگانه محافظت کرد؛ خداوندگار آواز و موسیقی ایران محمدرضا شجریان نیز ناجی موسیقی و هنر ایران شد. آنگونه که خودش به درستی می گوید: «او فرزند ایران است» و ماموریت او نجات موسیقی ایران و رساندن صدای آن به گوش جهانیان و عبورش از دل ناملایمات روزگار ایران زمین و رسیدن به سر منزل مقصود است.

بی تردید او در رسیدن به این هدف والای خود گام به گام توانست موانع بزرگی بر سر راه پیشرفت و ترقی هنر خود و موسیقی اصیل و سنتی ایران پشت سر گذارد. تا اینکه در نقش یک ناخدای خردمند توانست کشتی موسیقی و هنر ایران را در میان امواج پرتلاطم و خروشان جهل و جهالت به ساحلی امن هدایت کند.

### راز عظمت هنر و آثار شجریان

**در این است که همچون فردوسی موسیقی سنتی را**

**موافق نیازهای موجود جامعه دگرگون می کند**

**به زندگی مردم پیوند می زند**

**شاهکارهای شجریان در حوزه موسیقی و فردوسی در**

**شاهنامه نمونه از هنرهای مردمی یک ملت است**

شخصیت منحصر به فرد و مستقل استاد شجریان وی را به جایگاهی فراتر از یک خواننده خوش صدا، با ذوق و سلیقه هنری می کشاند. گستردگی پایگاه اجتماعی و محبوبیت این استاد بی بدیل موسیقی سنتی ایران در دل جامعه ایران و جهان بی شک مدیون سیرت و صورت آثار هنری وی می باشد.

صورت آثار هنری او همیشه حامل محتوا و پیام های خاصی بودند که متناسب با حال و روز مردم جامعه انتخاب و اجرا می شدند. این نوع صورت و محتوا ناشی از سیرت این هنرمند فرزانه می باشد. بی شک صورت هر اثر هنری محصول مهارت توام با خلاقیت هنرمند است و سیرت آثار استاد شجریان از جنس معرفت و آگاهی اوست. منشا معرفت او نیز بی تردید حاصل سال ها تجربه

او چون نسبت به آفرینش هنری خود هوشیار است و می داند شنونده ممکن است محو صدای افسانه ای او شود، متذکر می-شود که وظیفه موسیقی فارغ از ایجاد سرگرمی و صیقل دادن روح مخاطب، آگاهی و بیداری مردم است.

در پایان باید گفت که محمدرضا شجریان چون هنرمندان بزرگ ایران و جهان از عوامل مثبت ذوق عامه سود جست. زیرا به خوبی می دانست زبان عامه گنجینه جامعه است و این زبان هیچ گاه نمی میرد؛ بلکه فقط تغییر می کند و بهبود می یابد. لذا به همین خاطر در طول عمر پر بارش همواره تلاش کرد و موفق شد که زبان و صدای مردم باقی بماند.

#### او صدای یک ملت بود

فریاد ملتی که طی چندین دهه

در حنجره او طنین انداز می شد.

صدایش رنگ و بوی صدای مردم داشت

مردم صدای دلنشین او را دوست داشتند.

صدایش تجلی گاه

سرخوردگی ها و آرزوهای ملت ایران بود

صدای او در نزد مردم هرگز

خاموش نخواهد شد زیرا او در کنار مردم

ایستاد و در سور و سوگ شان خواند.

او هرگز تسلیم زر، زور و تزویر نشد.

جز در برابر مردم

در مقابل هیچ کس سر تعظیم فرو نیاورد.

جز مردم برای کسی نخواند.

درست برخلاف نوکیسه گان،

هنرمندان و خواص بی مایه کشور

در کنار مردم ایستاد و خود را

صدای مردم می دانست.

و به زندگی مردم پیوند می زند. شاهکارهای شجریان در حوزه موسیقی و فردوسی در شاهنامه نمونه از هنرهای مردمی یک ملت است.

شیوع این گونه هنرها در جامعه ایرانی گویای آن است که فردوسی و شجریان از یک سو به هويت دیرینه جامعه وفادار مانده اند و از میراث فرهنگی کشور انحراف نجستند و از سوی دیگر با نظمی خاص به پراکندگی در آثار خود اکتفا نکردند. بلکه مطابق منظورشان که انگیختن مردم ایران به بازیافت استقلال و عظمت از کف رفته بوده است. آثار خود را مبتکرانه به یکدیگر پیوند می-زند و آنها را زمینه ساز مسائل زندگی اجتماعی ایرانیان می کنند. بنابراین شجریان نظیر فردوسی با یاری گرفتن از سنت های حماسی ایران و تولید آثار حماسی مایه امید جامعه ایران بود و آثارش شور مبارزه در سر مردم می اندازد. هنر ملی که شجریان مبلغ آن بود؛ پویایی جامعه در آن به خوبی منعکس می گردد. لیکن آهنگ ها و سروده های وی نمودی از پرشورترین جنبه نبرد مردم ایران در دوره های گوناگون برای استقلال و وحدت بود.

مکتب واقع گرای شجریان به نظر از تلاش های فردوسی و سایر چهره های ملی ایران الهام گرفته که در نتیجه او را به محبوب ترین چهره ملی بعد از مصدق در تاریخ معاصر ایران تبدیل می کند.

بی شک میراث شجریان در عرصه هنر و موسیقی ایرانی جایگاه ملی و سپس جهانی دارد. زیرا هنر ملی بنیاد هنر بین الملل است. هنر، هر چه ملی تر باشد، استیلای مکانی و زمانی پهناورتری خواهد داشت که میراث شجریان نمونه بارز یک هنر ملی است.

محمدرضا شجریان به عنوان یک هنرمند ملی به خوبی تاریخ، زبان، موسیقی و فرهنگ گذشته ایران را مدنظر قرار می دهد و با خلاقیت خود، آنها را به مقتضیات جاری جامعه پیوند می زند و آثاری مردمی در عرصه موسیقی خلق می کند و همه آنها را طوری تعمیم می دهد که مشکلات موجود جامعه را در بر می گیرند.

